

مقاله پژوهشی

انعطاف‌پذیری، ویژگی بارز باغ ایرانی برای بهره‌گیری از آن در دوره معاصر

مهدی فاطمی

استادیار، عضو هیئت علمی دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، قزوین، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۱

چکیده باغ ایرانی به‌عنوان یکی از سبک‌های باغ‌سازی در جهان مطرح است و ویژگی‌های خاص این سبک آن را از دیگر همتایان خود متمایز کرده است. بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده هستند که خود باغ ایرانی نیز در طی دوران‌های مختلف، تغییراتی را پشت سر گذاشته و روندی رو به تکامل داشته است. در عصر حاضر، مطلوبیت فضایی موجود در باغ ایرانی در بوستان‌های شهری دیده نمی‌شود. دلایل متعددی مانند الگوبرداری و غربزدگی در اواخر دوره قاجار و استفاده از طراحان غربی در دوره پهلوی سبب خلق بوستان‌های شهری شده‌اند که نه تنها شکل ظاهری آنها ارتباطی با گذشته این مرزوبوم ندارد، بلکه اصول اولیه ارتباط بین انسان و طبیعت در فرهنگ ایرانی نیز در آنها نادیده گرفته شده است. بسیاری از ارزش‌های باغ ایرانی در دوران‌های مختلف تکامل آن ثابت مانده‌اند که خود نشان از ارزش ذهنی و معنوی آنها نزد ایرانیان دارد. در این مقاله با بررسی اجمالی برخی باغ‌های تاریخی ایران و بوستان‌های معاصر شهر تهران نشان داده شده است که ترس استفاده از شاخصه و عناصر باغ ایرانی به‌واسطه هندسه قوی آن، سبب بی‌هویتی بوستان‌های شهری شده است. در این پژوهش با بررسی اسناد کتابخانه‌ای و مطالعه میدانی نمونه‌ها، سعی شده تا انعطاف‌پذیری باغ ایرانی در دوره‌های مختلف بررسی و به‌دنبال آن تبلور کالبدی آنها نیز به‌عنوان شاخص تعیین شوند. در ادامه با مقایسه حضور شاخص‌ها در باغ‌های ایرانی و بوستان‌های شهر تهران تداوم آنها مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج این پژوهش حاکی از این است که باغ‌های ایرانی بر خلاف تصور غالب به داشتن هندسه خشک و مستطیل‌شکل در کل و جزء در طول تاریخ انعطاف‌پذیری بالایی را از خود نشان داده و به فراخور کاربرد یا زمانه تغییر کرده‌اند. نادیده‌گرفتن این ویژگی یا عدم به‌روزرسانی مفاهیم باغ ایرانی سبب عدم استفاده از این سبک در طراحی بوستان‌های شهری شده که تأثیر بسزایی در ارتباط شهروندان با فضاهای سبز شهری به‌عنوان طبیعت مورد احترام داشته است.

واژگان کلیدی | باغ ایرانی، انعطاف‌پذیری، الگوهای سنتی، نیازهای معاصر.

این‌رو کاملاً بدیهی است که بسیاری منظر ایران را با باغ ایرانی گره‌خورده می‌دانند و چنانچه باغ ایرانی به‌عنوان یک اثر تاریخی از عصر حاضر جدا شود، حیطة این رشته خالی از اثر فاخر خواهد بود. این خلاء در کشوری که مردم آن تصویری مشترک از باغ‌های تاریخی و تجربه ایجاد فضای سبز شهری را در تاریخ خود دارند، جای بسی تأمل دارد. در مورد بوستان‌های شهری که به‌عنوان محل برخورد مردم با اثر معماران منظر در شهر مطرح هستند، بحث‌های زیادی نشده و عمده پژوهش‌های

مقدمه | مبانی ادراکی مربوط به عناصر هویت‌ساز در معماری ایران، موضوع پژوهش‌های بسیاری بوده است. در حوزه معماری منظر ایران عمده پژوهش‌ها دیدگاهی سنتی با نگاه به گذشته دارند. باغ ایرانی همیشه در روح و خاطره‌های ازلی قوم ایرانی وجود داشته است. به قول آرتور آپهام پوپ، در گوشه ذهن هر ایرانی، باغی نهفته است (جواهریان، ۱۳۸۳، ۱۰). از

نویسنده مسئول: ۰۲۸۳۳۹۰۱۸۱۹ / fatemi@arc.ikiu.ac.ir

خارجی است که در ایران مشغول استخراج میراث فرهنگی از دل خاک بوده‌اند. دیوید استروناخ در کاوش پاسارگاد تحلیلی بر ساختار باغ آن نوشت (استروناخ، ۱۳۷۹). ویلبر نیز در کتاب خود با عنوان «باغ‌های ایران و کوشک‌های آن» به توصیف باغ‌های ایرانی پرداخت (ویلبر، ۱۳۴۸)

عمده این پژوهش‌ها بر کالبد باغ‌های ایرانی به‌مثابه یک طرح‌ریزی شاهانه نظر داشته و آن را تحلیل کرده‌اند. بعدها پژوهشگران ایرانی در زمینه باغ‌های ایرانی پژوهش‌های متعددی انجام داده و ابعاد معنایی باغ ایرانی را جلوه‌گر نمودند. صاحب‌نظران در این حوزه بسیاریند و ذکر تمامی پژوهش‌های انجام‌شده میسر نبوده و به مهمترین آنها پرداخته خواهد شد. انصاری در رساله خود گونه‌های مختلف باغ‌های ایرانی را معرفی می‌کند (انصاری، ۱۳۷۸). پورجعفر نیز در مقالات متعدد به بررسی تأثیرپذیری باغ ایرانی از مفاهیم دینی پرداخته و بسیاری از مفاهیم موجود در باغ ایرانی را منتج از توجه طراحان به بهشت موعود با اشاره به آیات مرتبط با آن می‌داند (پورجعفر، رستمی، پورجعفر و رستمی، ۱۳۹۲).

منصوری با تحلیل زیباشناسانه از عناصر باغ ایرانی، به معرفی خصوصیات زیباشناسی باغ ایرانی پرداخته است (منصوری، ۱۳۸۴). منصوری و حیدرتاج نیز بر الگوی چهارباغ ایرانی انتقاداتی را وارد کرده‌اند (حیدرتاج و منصوری، ۱۳۸۸). عالمی وجود محور را در باغ ضروری دانسته و اعداد نسبت داده شده به باغ را سمبلیک می‌داند و الزامی را برای پیاده‌سازی طرح چهارباغ به‌صورت فیزیکی قائل نیست (عالمی، ۱۳۸۵). در برخی منابع مانند خوانساری و همکاران (خوانساری، یاوری و مقتدر، ۱۳۸۳) و نعیم (۱۳۸۵) نیز نقشه‌های باغ ایرانی ترسیم و بازپیرایی شده است. در زمینه باغ ایرانی نیز در پژوهش‌هایی، به‌صورت پراکنده برخی معیارها بیان شده است. اما این اشارات و تحلیل‌ها به اندازه‌ای که در موارد مشابه تاریخی مانند معماری اسلامی ایران بدان پرداخته شده است؛ در زمینه باغ ایرانی چشمگیر نیستند. از سوی دیگر معماری‌منظر عصر حاضر ایران مانند طراحی بوستان‌های شهری در پژوهش‌ها مغفول مانده است. در حوزه منظر، سلطانی در مقاله‌ای به روند گذر از باغ به پارک در عصر قاجار و پهلوی اشاره می‌کند و غرب‌زدگی را دلیل بی‌هویتی بوستان‌ها و عدم تبعیت از باغ‌های ایرانی می‌داند (سلطانی، ۱۳۸۶). از این‌رو در این مقاله سعی شده است تا علل عدم تداوم الگوی باغ ایرانی در بوستان‌های معاصر تهران بررسی شود.

فرضیه

به نظر می‌رسد عدم تداوم معیارها و شاخص‌های موجود در الگوهای طراحی باغ‌های ایرانی به بوستان‌های شهری تهران،

انجام‌گرفته حول مواردی همچون گیاهشناسی، آسیب‌های اجتماعی و نظام سرانه‌های شهرسازی بوده است. بوستان‌های شهری به‌عنوان محل ارتباط طبیعت با انسان شهرنشین اهمیت یافته‌اند. از این‌رو فضای سبز شهری یکی از خدمات قابل ارائه شهرداری‌ها به شهروندان است و سرانه فضای سبز به‌زای هر شهروند یکی از شاخصه‌های توسعه‌یافتگی شهرها محسوب می‌شود. به سبب توجه نظام سرانه‌ای به کمیت، از اوایل دوره پهلوی و پس از انقلاب اسلامی، توسعه بوستان‌های شهری بر مبنای اسلوب غربی بوده و عملاً شهروندان ارتباط ذهنی با آنها برقرار نمی‌کنند. تصور ذهنی غالب ایرانیان از باغ‌های تاریخی و کیفیت فضایی ویژه آن حلقه‌های مفقوده طراحی بوستان‌های شهری هستند و به همین جهت این بوستان‌ها بعضاً دچار آسیب‌های اجتماعی شده‌اند. معیارها و شاخص‌های طراحی در منظر گذشته ایران تاکنون به‌صورت مدون بررسی نشده است. گاهی معیارهای معماری اسلامی ایران در این حوزه نیز وارد و از سوی صاحب‌نظران بسط داده شده‌اند. عمده این بحث‌ها به جنبه‌های معنوی این معیارها پرداخته و الگوواره‌ای به نام باغ ایرانی را فضایی دارای وجه قدسی غالب خوانده‌اند که خود سبب عدم همخوانی آن با بوستان‌های تفریحی شهرها شده است. اینکه این معیارها تاکنون با بازدید از این آثار و از طریق کالبد آنها قابل دریافت هستند، نشان می‌دهد تبلور کالبدی معیارها قابلیت تعمیم دارد و بیننده می‌تواند آنها را از طریق اجرا در مکان‌های مشابه درک کند. البته تقلید صرف از کالبد باغ ایرانی به هیچ‌وجه توصیه نمی‌شود، بلکه همان‌گونه که خود باغ ایرانی در اعصار مختلف دچار تحول شده است، در عصر حاضر نیز می‌تواند با حفظ معیارهایی که هنوز کارایی دارند و به‌روزآوری در عناصر کالبدی منشاء الهام طراحی بوستان‌های شهری باشند.

این مقاله سعی دارد با بررسی بوستان‌های شهر تهران از یک سو و باغ‌های تاریخی ایران از سوی دیگر به بررسی تداوم معیارها و شاخص‌های موجود در منظر گذشته ایران بپردازد و با مقایسه این نمونه‌ها به دنبال اثبات فرضیه خود است. از بین معیارهای عملکردی، تاریخی و حسی در وهله اول براساس نظریات فیلدن معیارهای حسی درک و تشخیص داده می‌شوند. از این‌رو در این مقاله سعی شده است تا از بین شاخصه‌های کالبدی و فرمال باغ ایرانی آن دسته از شاخصه‌ها که به‌صورت حسی زودتر درک می‌شوند ملاک عمل قرار گیرند. زیرا با به‌کاربردن این شاخصه‌ها، کاربر سریعتر خود را در فضایی آشنا مانند باغ ایرانی تصور کرده و اهداف ثانویه طراح مانند تصاویر ذهنی در پس این معیارهای حسی درک خواهند شد.

پیشینه پژوهش

اولین پژوهش‌ها در زمینه باغ ایرانی مربوط به باستان‌شناسان

اما به‌نحوی طراحی شده‌اند که نیازهای مادی انسان‌ها اعم از تفریح، خودنمایی و جلوه‌گری شکوه، قدرت و حتی میل به کشت و زرع را نیز برطرف کنند. ذکر این نکته لازم است که اکثر این تحقیقات حتی در حوزه‌های دینی یا تجزیه عناصر باغ راه را برای درک بهتر مفهوم این کهن‌الگو هموار کرده است.

باغ ایرانی مبنای طراحی امروزی

امروزه نیاز انسان به برقراری ارتباط با طبیعت، موجب شده که در جوامع، طبیعت به‌مثابه میراث فرهنگی تلقی شود. در میان عناصر طبیعی، آب و گیاه اهمیت بیشتری داشته و سایر عناصر را تحت تأثیر قرار می‌دهند. «ترکیب هوشمندانه آب و گیاه در فضا سازی باغ‌های ایرانی نشان‌دهنده رعایت هر سه رویکرد مفهومی، کارکردی و زیباشناختی است» (زمانی و لیلیان، ۱۳۸۸، ۲۵). از این رو می‌توان این باغ‌ها را به‌عنوان الگو جهت به‌کارگیری مناسب از آب و گیاه به کار بست و با استفاده از سایر معیارهای باغ ایرانی چون «محصولیت، گستردگی و هندسه که باغ ایرانی را واجد حس مکان (روح مکان) می‌کنند» (مدقالچی، انصاری و بمانیان، ۱۳۹۳، ۲۵)، استفاده کرد. از سویی زیباشناسی خاص این کهن‌الگو و تصویر ذهنی مطلوب به‌جامانده از آن می‌تواند در تقویت ارتباط بین شهروندان و طبیعت به‌کار آید. زیرا منصوری (۱۳۸۴، ۵۸) این عناصر را سازنده این زیباشناسی ویژه می‌داند و معتقد است «در بررسی تطبیقی آثار برجای‌مانده از باغ ایرانی، از قدیمی‌ترین آنها در پاسارگاد مربوط به عصر هخامنشی تا سده گذشته که آخرین نمونه‌های مبتنی بر سنت باغسازی ایرانی پدید آمد، عناصر مشترکی را می‌توان یافت که مقدمه زیبایی‌شناسی باغ ایرانی را شکل می‌دهد». در تمامی نظراتی که پیرامون باغ ایرانی مطرح شده، هنوز از آن به‌عنوان یک تجربه موفق در تاریخ منظر ایران یاد می‌شود و براساس این عملکرد مطلوب در طی دوران‌های مختلف، به احتمال زیاد می‌تواند در عصر حاضر نیز موفق عمل نماید. «باغ ایرانی به‌عنوان نمونه متعالی از منظر ایران، تصویر باورهای انسان ایرانی-اسلامی در بطن تاریخ است که علی‌رغم ناملازمات، همچنان به‌عنوان الگویی موفق از آن یاد می‌شود» (مدقالچی، انصاری و بمانیان، ۱۳۹۳، ۲۵).

براساس معیارها و شاخص‌های استخراج‌شده از نظرات متخصصین این حوزه در ادامه به بررسی اجمالی این معیارها پرداخته خواهد شد. این بررسی به‌صورت مختصر بوده و کلیت هر مفهوم را در بر می‌گیرد. اساس این مقاله بر علت‌یابی عدم توفیق بوستان‌های معاصر شهر تهران است که نگارنده آن را ناشی از عدم پیروی از اسلوب منظر گذشته می‌داند.

به‌دلیل تصور اشتباه از الگوی باغ ایرانی به‌عنوان یک الگوی هندسی ثابت یا عدم تطابق آن با نیازهای کاربر امروزی است.

سوالات پژوهش

این پژوهش به‌دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:
- آلودگی باغ ایرانی با تصویر یک ساختار هندسی مستحکم، در همه دوران‌ها ثابت و بدون تغییر بوده است؟
- عناصر و کارکردهای باغ ایرانی قابل تداوم یا به‌روزآوری در عصر حاضر هستند؟
- انعطاف‌پذیری و تغییر به‌عنوان یکی از خصایص باغ ایرانی، می‌تواند مبنای سنجش کارایی آن به‌عنوان الگو در طراحی بوستان‌های معاصر باشد؟

روش پژوهش

در این پژوهش با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و بررسی اسناد کتابخانه‌ای، نظرات بسیاری از اهل نظر در حوزه باغ ایرانی به روش تحلیلی شناسایی و سعی شده تا معیارهای منظرین استخراج و به‌دنبال آن تبلور کالبدی آنها نیز به‌عنوان شاخص تعیین شوند. عمده صاحب‌نظران مفاهیمی مانند وحدت ناشی از هندسه، نظم در کاشت گیاهان و نمایش آب، محرمیت و محصولیت، سادگی در عین تنوع و مردم‌واری و پرهیز از اسراف را در باغ‌های ایرانی ذکر می‌کنند. بسیاری تنها به دلایل مذهبی که این مفاهیم معنوی از آنها ناشی می‌شود اشاراتی کرده و معیارهای به‌کاررفته در باغ ایرانی را ناشی از مذهب و جهان‌بینی مردم ایران نسبت به طبیعت می‌دانند. «مفاهیم نمادین مرتبط با باغسازی، صبغه‌ای دینی دارد و ویژگی‌های خود را از صفات بهشت آرمانی آیین حاکم بر جوامع می‌گیرد و همین تفاوت‌هاست که به الگوهای کالبدی متفاوت در هر برهه از زمان می‌انجامد» (حمزه‌نژاد، سعادت‌جو و انصاری، ۱۳۹۳، ۵۷). در مواردی نیز این اصول در نتیجه‌گیری مباحث به‌گونه‌بندی باغ‌های ایرانی منجر شده است. «باغ ایرانی در تاریخ هنر باغسازی جهان با سبک ویژه خود شناخته می‌شود. اصول شکل‌دهنده آن با عمر حداقل ۲۵۰۰ سال که از آثار باستان‌شناختی برمی‌آید، طی دهه‌های معاصر موضوع نوشته‌های متعددی بوده است. نوشته‌هایی که اغلب به توصیف، تحسین و در بهترین حالت به طبقه‌بندی شکلی از گونه‌های باغ ایرانی پرداخته است» (منصوری، ۱۳۸۴، ۵۸). به نظر می‌رسد دلایل اقتصادی، سیاسی، حکومتی و همچنین تفرجی در شکل‌گیری باغ‌های تاریخی علاوه بر دلیل مذهبی نیز نقش داشته‌اند. عمده نوشته‌های پیرامون باغ‌های ایرانی حول اعتقادات ادیان و تصور آنها از بهشت است و می‌توان نتیجه‌گیری کرد که باغ‌ها با اینکه براساس اعتقادات معنوی شالوده‌ریزی شده‌اند،

• وحدت

بسیاری از صاحب نظران وحدت بین عناصر باغ ایرانی را دلیل شاخص بودن باغ ایرانی می دانند. این تعبیر هندسه حاکم بر باغ ایرانی را به عنوان عامل وحدت دهنده عناصر باغ در ساختار راست گوشه آن قلمداد می کنند. از این رو یکی از مشخصه های اصلی باغ ایرانی که آن را از دیگر انواع باغها متمایز می کند، هندسه مستطیل شکل، استفاده از خطوط مستقیم و تقسیمات چهارتایی در ساخت برخی نمونه های آن است. برخی نظام هندسه راست گوشه را مختص باغ ایرانی می دانند و عده ای نیز با دقت در جزئیات، طرح چهاربخشی یا دوبخشی را در هندسه باغ ایرانی هویدا می بینند. در این مجال برخی از تغییرات مرتبط با طراحی پلان، محور، کوشک و جانمایی باغ در طول تاریخ مورد بررسی قرار گرفته است.

• هندسه پلان و تعبیر مختلف از آن

به طور عام چهارباغ به عنوان نماد هندسه باغ ایرانی معرفی شده است. برخی سابقه این الگو را در ادیان قبل از اسلام دانسته اند و نقوش باقی مانده از دوران ساسانیان را دلیل وجود آن می دانند. اردلان و بختیار (۱۳۸۰، ۱۳۷) در مورد این طرح می گویند: «طرح چهارباغ ساسانی به صورت چلیپایی بود که نماد تریبغات چهارگانه عالم اند». پوپ نیز بدون اشاره به نمونه ای از این باغها می گویند: «یک تقاطع با زاویه قائمه با محورها وجود داشت که منظر اصلی (قصر) در محل برخورد آنها قرار گرفته بود» (Pope, 1997, 1429). ویلبر نیز بدون ارائه هیچ سندی و تنها با اشاره به کاسه سفالی، چهارباغ سازی را به دوره ساسانی نسبت می دهد» (منصوری ۱۳۸۹، ۲۵). افرادی که به بحث در مورد باغهای ایرانی پس از اسلام پرداختند آن را ادامه طرح رسمی چهارباغ دانسته اند. «فاتحان مسلمان، بعد از برگزیدن مکانی، آنجا را به چهار قسمت تقسیم کرده و از سنت پردیس های ساسانی و چهارباغ های آن پیروی می کردند» (فقیه، ۱۳۸۳، ۳۲). «اغلب نویسندگان به دنبال قرابت این الگو با اندیشه ها و آموزه های اسلامی برای تأیید نظر خود بوده اند؛ لذا وجود چهار نهر بهشتی توصیف شده در قرآن پذیرش این الگو را باور پذیرتر ساخته است» (منصوری، ۱۳۸۹، ۲۶). به عنوان مثال لیبب زاده و همکاران در مقاله خود ظهور تقسیمات چهاربخشی را به مفاهیم قرآنی ربط داده و آن را ملاک ظهور این الگو می دانند: «پس از ورود اسلام و با تکیه بر مفاهیم قرآنی تقسیمات چهاربخشی در پلان باغهای ایرانی ظهور پیدا کرده است» (لیبب زاده، حمزه نژاد و خان محمدی، ۱۳۹۰، ۱۰). مهوش عالمی با ترسیم باغ توصیفی در ارشاد الزراعه معتقد است که «معايير و جویها ترکیبی راست گوشه با شبکه ای شطرنجی را شکل می دادند؛ اما الزاماً چهاربخشی نبوده اند» (عالمی، ۱۳۸۷، ۶).

منصوری چهارباغ را به عنوان تنها یکی از الگوهای رایج باغ

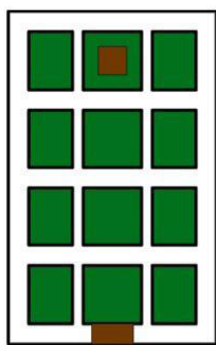
ایرانی تبیین می کند و اعتقاد دارد «هندسه مستقیم الخط باغ ایرانی با محورها و طرح کاشت منظم با نگاه به باورهای ایرانیان در مورد عدد چهار، سبب ایجاد مفهوم چهارباغ شده است» (منصوری، ۱۳۸۹، ۲۸). وی در مقاله خود با استناد به اشتباه استروناخ و تبدیل محور خط چین به محور واقعی توسط هاب هاوس بر این نکته تأکید می کند که چهارباغ یک الگو در ساختار باغ ایرانی است و در جایگاه خود قابل تحلیل است. تصور نظام هندسی بسیار دقیق در تقسیم بندی کرتها و تقسیم بندی بر مبنای نظام چهاربخشی باغ ایرانی با واقعیت آن در طول تاریخ فاصله دارد و آنچه به نظر می رسد قابل اتکاء و تداوم باشد استفاده از نظام راست گوشه مبتنی بر خطوط مستقیم است که تقریباً در همه گونه های باغ ایرانی قابل مشاهده است (تصویر ۱). در آخرین ادعاها در زمینه هندسه داخلی باغهای ایرانی، متدین در کتاب «تاریخ باغسازی جهان» با بررسی نظریات و پیشینه نحوه سازماندهی عناصر داخلی باغ ایرانی، آنها را به چهار الگوی کلی در تصویر ۲ تقسیم بندی می کند.

• محور اصلی و گستردگی دید

داشتن نظام هندسی و استفاده از خطوط صاف در راستای داشتن دیدی وسیع در باغ ایرانی بوده است (تصویر ۳). «ساختار هندسی باغ ایرانی، محورهای مستقیم و هدفمند

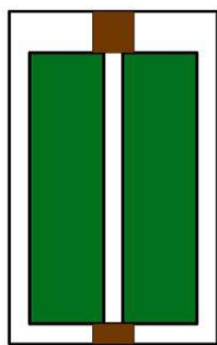


تصویر ۱. باغ گلشن طیس به عنوان نمونه ای از تقسیمات چهاربخشی مدولار. مأخذ: خوانساری، یآوری و مقتدر، ۱۳۸۳.



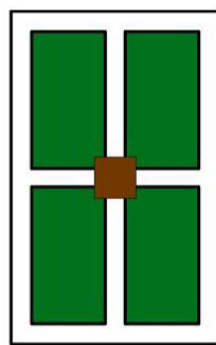
نظام شطرنجی

نمونه باغ فرح آباد یا هزار جریب



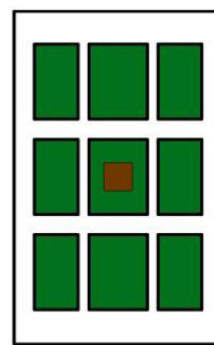
نظام محور گرا

نمونه باغ شازده ماهان



نظام مرکزگرا

نمونه باغ جهان نما



نظام نه قسمتی

نمونه باغ-مزار همایون، هند

تصویر ۲. چهار قرائت متفاوت از الگوی باغ ایرانی. مأخذ: متدین، ۱۳۹۶.

محور نقش اساسی در ایجاد پرسپکتیو دارد، باغ را طولانی‌تر جلوه می‌دهد و به وسعت باغ از لحاظ روانی می‌افزاید» (حیدرنتاج، ۱۳۹۲، ۱۰). «محور بی‌آنکه در صدد نمایش منظرهای پرداخته شده از باغ باشد، با بهره‌گیری از همه امکاناتی که پرسپکتیوهای مجازی و ساخته شده در فضا فراهم می‌آورد، چشم‌اندازی بی‌انتهای به وجود می‌آورد. خیابان باغ؛ از پاسارگاد به صورت میدانگاهی کشیده در برابر کاخ تا باغ شازده ماهان، به شکل معبری باریک و باغ‌های بیرجند، فاقد حضور آب، صور گوناگونی به خود می‌گیرد» (منصوری، ۱۳۸۴، ۵۹). محور باغ ایرانی جدای از اینکه به عنوان ستون فقرات کار می‌کند، در ایجاد دید وسیع نقش دارد. این وسعت با توجه به مقیاس انسانی باغ‌های تاریخی و خطای دید؛ عمدتاً به صورت مجازی به وجود می‌آید. به نظر می‌رسد هدف از ایجاد این محورها، تأکید بر دید و منظر بیکران است. از این رو با کنکاش در هندسه باغ‌های ایرانی، به محورها با طول و تناسب متفاوت، نقش متفاوت در دو سوی کوشک، محورها موازی با درجه اهمیت‌های متفاوت و ... برمی‌خوریم که نشان از تغییر و تحولات این عنصر مهم و اصلی در ساختار باغ ایرانی دارد. اکثر باغ‌های خصوصی ایرانی، با تکیه بر محور اصلی، دید مطلوبی را ارائه می‌دهند و عمده فعالیت‌ها و کانون توجه در این مسیر قرار دارند؛ اما در باغ‌هایی با کاربری عمومی مانند فرح‌آباد و هزار جریب در اصفهان با محورها طولی و عرضی متعدد و هم‌اهمیت مواجه هستیم که نشان از غلبه گردش آزادانه به جای تمرکز کانونی دارد. همین امر نشان می‌دهد که عنصر کلیدی مانند محور نیز در وجه عمومی باغسازی می‌تواند دارای ارزشی کمتر از حالت باغ‌های خصوصی شود و به نوعی در برابر انتظاری که از باغ وجود دارد انعطاف‌پذیر باشد. به همین جهت استفاده از محور باغ ایرانی در فضاهای



تصویر ۳. محور اصلی باغ دلگشا. مأخذ: خوانساری، یآوری و مقتدر، ۱۳۸۳.

را تعریف می‌کند که براساس تحقیقات روان‌شناسی محیط، این‌گونه مسیرها، احساس هدف‌دا بودن، تأمل و اکتشاف را به انسان می‌دهد» (شاهچراغی، ۱۳۸۸، ۷۸). «از آنجایی که این

سبز شهری معاصر با هر دو رویکرد ایجاد تمرکز و دید بیکران و یا گردش آزادانه می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد.

• کوشک و نظرگاه

ساخت بنای کوشک در باغ‌های ایرانی علاوه بر کارکرد سکونتی، دلایل منظرین قوی‌تری داشته است (تصویر ۴). به قول میرسلیم «کوشش بر این بوده است که ساختمان‌های داخل باغ در محلی برخوردار از بهترین چشم‌انداز قرار گیرد» (میرسلیم، ۱۳۷۵، ۵۹۰). در طراحی باغ اگر چه شرایط زمین بسیار تعیین‌کننده است، ولی تعیین جایگاه کوشک و چشم‌اندازها می‌تواند کاملاً آگاهانه، نمادین و معناگرا باشد. نظریاتی مبتنی بر عقاید آیینی در مورد حضور کوشک در باغ ایرانی وجود دارد و کوشک‌ها را به‌عنوان نماد تمثیلی از غرفه‌های بهشتی وعده داده‌شده به مؤمنین تلقی می‌کنند. «غرفه، نام بالاترین منزل‌های بهشت است. بنابراین غرفه دارای هوایی لطیف‌تر، مناظر بهتر و محلی آرام‌تر برای سکونت است. غرفه‌های کوشک در باغ ایرانی این ویژگی‌های بهشتی را کسب کرده است» (انصاری، ۱۳۷۸، ۱۰۹).

این بنا ممکن است در مواردی کاربری سکونتی نداشته باشد و تنها به‌عنوان یک نظرگاه از آن استفاده شود. با بررسی معماری تخت جمشید و معبد آناهیتا کنگاور و ... در می‌یابیم که ایجاد بنا در ارتفاع و حتی قراردادن آن بر روی صفه‌های دست‌ساز هدفی والاتر از ارج دادن به بنا بوده است. هدف مهم ارائه دید منتخب به ناظر است. جایگاه ارائه این دید مطلوب در دوران‌های مختلف از ایوان‌ها تا کوشک‌ها تغییر شکل داده است. با بررسی موقعیت کوشک در باغ، نوع معماری و ساختار بنای آن می‌توان به این جمع‌بندی رسید که کوشک‌ها به لحاظ موقعیت تابع دید و منظر مطلوبی بوده‌اند که ناظر با قرارگیری در آنها می‌توانسته در باغ داشته باشد. از لحاظ شکل و ساختار نیز کوشک‌ها تابع نوع و میزان سکونت در خود بوده‌اند و به نوعی عملکرد فضاهای داخلی آن از انتظاراتی که برای سکونت در آن بوده است، نشئت می‌گرفته است. در



تصویر ۴. کوشک باغ هشت بهشت. مأخذ: نورانی، ۱۳۸۷.

برخی باغ‌ها همچون چهل ستون اصفهان نقش ایوان کوشک به‌عنوان نظرگاهی با دید وسیع فرم و جهت‌گیری کوشک را توجیه می‌کند و در باغی مثل هزارجریب نیز براساس ادعای همایونی و ولی بیگ (۱۴۰۰، ۱۹) چند گونه ساختمان وجود داشته - و به جز کوشک اصلی که در میان باغ جای داشته و مرتفع‌ترین ساختمان بوده، کوشک‌ها و ساختمان‌های دیگری نیز در باغ وجود داشته است که نشان می‌دهد کوشک صرفاً بنایی با خاصیت خدمات‌دهی نبوده و برای این کار در باغ‌ها به فراخور، ساختمان‌هایی تعبیه یا افزوده شده‌اند. عمده نقش کوشک در باغ به خاصیت نظرگاهی آن برمی‌گردد که تعداد طبقات، تعداد و شکل ایوان و زوایای قرارگیری آن نسبت به باغ و محورهای آن این امر را بیش از پیش آشکار می‌کند. از این‌رو استفاده از ساختمان به‌عنوان کوشک در بوستان‌های معاصر می‌تواند جای خود را به نظرگاه با شکل و هندسه‌های متفاوت داده و نقش خدماتی بناهای موجود در باغ نیز به کارکردهای خدماتی و فرهنگی در بوستان‌ها تبدیل شود. به همین جهت موقعیت کوشک در تلاقی محورها و نقاط کلیدی باغ در زمان حال نشان‌دهنده نقطه مناسب برای یافتن دید مطلوب است که می‌تواند با راهبردها و اقدامات متفاوتی که در آن ساختمانی به اندازه کوشک وجود ندارد، تقویت شود.

• مکان‌یابی باغ

به‌دلیل نیاز اولیه باغ‌ها برای آبادانی به آب، مکان‌یابی آنها در مظهر قنات‌ها و یا سرچشمه‌ها کاملاً منطقی به نظر می‌رسد (تصویر ۵). به همین جهت آب دائمی شرط لازم برای احداث باغ ایرانی است. «در گذشته دور آب موردنیاز برای احداث باغ تنها از چشمه‌های طبیعی فراهم می‌شده است» (انصاری، ۱۳۷۸، ۴۶). شیب زمین نیز در شکل‌گیری باغ تأثیر داشته است. یکی از علل این امر امکان حرکت آب در میان باغ به شکل طبیعی است. علاوه بر این زمین شیب‌دار موجب جهت‌گیری هندسی باغ نیز می‌شود. «وجود زمین شیب‌دار، شرط لازم دیگری برای آبیاری باغ بوده و جهت باغ بر همین اساس شکل می‌گیرد» (همان، ۱۵۵). مکان‌یابی و موقعیت ساخت یک باغ ایرانی متأثر از شیب زمین، منبع آبرسانی به باغ و ... بوده است. در اغلب موارد باغ ایرانی در بستری خالی شکل می‌گرفته و نیازی به هماهنگی با محیط انسان‌ساخت اطراف خود نداشته است. هندسه کلی مستطیل‌شکل و راست‌گوشه باغ نیز در تضاد با محیط طبیعی اطراف خودنمایی می‌کرده است. در این حالت ساخت این هندسه خاص که به‌عنوان کهن‌الگوی باغ ایرانی شناخته می‌شود، امری بدیهی و ساده بوده است. در مواردی خاص و تحت تأثیر توپوگرافی زمین باغ شیب‌دار می‌شده یا در مواردی نادر مانند چهارباغ اصفهان در حاشیه رودخانه زاینده‌رود، فرم‌های طبیعی اطراف بستر بر این هندسه تأثیر گذاشته و آن را دگرگون کرده‌اند (تصویر ۶).

است. از سوی دیگر نزدیکی به منبع آب برای آبرسانی باغ در حال حاضر به‌عنوان یکی از عوامل مکان‌گزینی بوستان شهری در اولویت نیست و شبکه‌های آبرسانی شهری این علت را بی‌اثر کرده است.

• تقارن و تعادل

از تقارن در معماری سنتی ایران به اشکال مختلف استفاده شده است. باغ ایرانی نیز از این اصل مستثنی نیست. این تقارن در هندسه و شیوه کاشت درختان مشهود است. «ایرانیان از دوره هخامنشیان میل به ایجاد باغ‌های منظم با تکی بر خطوط مستقیم و کاشت‌های قرینه داشتند» (Pechere, 1982, 20).

«کرت‌ها، ساختمان‌ها، ورودی‌ها، طرفین مسیرها، جوی‌ها، آبنماها، بسیاری از گیاهان و کلیت باغ عموماً جلوه‌های متنوعی از تقارن را به نمایش می‌گذاشته‌اند» (نقی‌زاده، ۱۳۹۲، ۸). با بررسی پلان اغلب باغ‌های ایرانی؛ تقارن در کلیت هندسه آنها قابل تشخیص است. محور تقارن در عمده باغ‌ها همان محور اصلی باغ است و «کوشک به‌عنوان اصلی‌ترین بنای باغ بر روی محور تقارن آن قرار می‌گیرد» (حیدرنتاج، ۱۳۸۹، ۸۹).

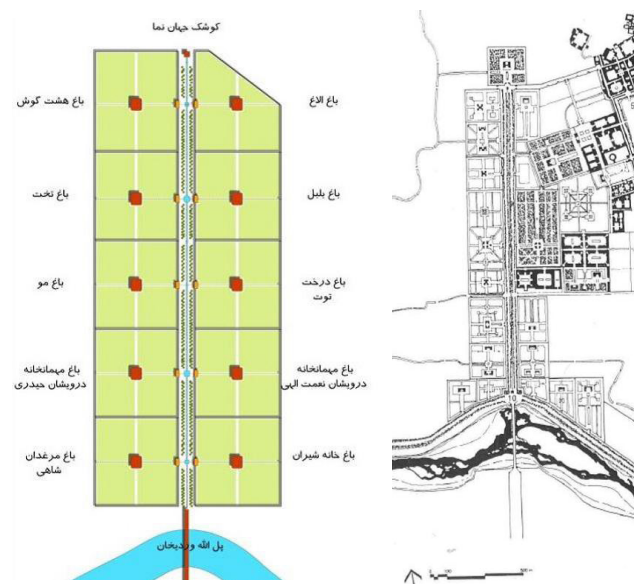
کوشک‌ها با قرارگیری در مرکز هندسی باغ در تکمیل تقارن آن نقش بسزایی دارند. در بررسی هندسه بسیاری از پلان‌های باغ ایرانی مانند هشت بهشت و فین، تقارن به‌صورت کلی قابل مشاهده و درک است. اما در برخی اوقات جدای از تقارن موجود در دو سوی محور اصلی، با دورشدن از این محدوده میزان الزام به تقارن کاهش یافته و عموماً باغ بیشتر از کارکرد و سایر مقتضیات خود به جای پایبندی به تقارن تبعیت می‌کند. در جاهایی که این تقارن در هندسه کرت‌ها به چشم می‌خورد، پوشش گیاهی اطراف این کرت‌ها در ایجاد تقارن نقشی اساسی دارند و داخل کرت‌ها این تقارن در استفاده از گیاهان مشابه به چشم نمی‌خورد. بنابراین تقارن در باغ ایرانی در نقاط کلیدی مانند مرکز و محور اصلی وجود دارد و خرد فضاهای منتج از هندسه متقارن دارای شخصیت و کارکرد منحصربه‌فرد خود هستند؛ به همین دلیل می‌توان تقارن را بر حسب ضرورت و ویژگی‌های بستر یک فضای سبز شهری، در کلیت هندسه، صرفاً در دو سوی یک محور یا اطراف مرکز در نظر گرفت یا حتی در صورت لزوم از آن چشم‌پوشی کرد و تنها با ایجاد دید متقارن با عناصری مانند درختان اکتفا نمود. با توجه به توضیحات ارائه‌شده، جزء فضاهای بوستان‌های شهری نیز می‌توانند علاوه بر نقشی که در هندسه متقارن ایفا می‌کنند، در عملکرد و کارکرد خود کاملاً مستقل عمل کرده و الزامی در تکرار فضاهای مشابه به‌واسطه حفظ تقارن نیست و این متقارن‌بودن در حد شکل و هندسه کلی در باغ‌های ایرانی کفایت می‌کرده است.

• امنیت و محرمیت

تصویر عمومی که از باغ ایرانی در اذهان وجود دارد، محوطه



تصویر ۵. موقعیت باغ کهنه و باغ نو (فین) نسبت به هم و چشمه سلیمانیه. مأخذ: تریوه، ۱۳۸۹.



تصویر ۶. راست: نقشه ترسیمی از چهارباغ اصفهان از دونالد ویلبر. مأخذ: ویلبر، ۱۳۴۸، ۸۵؛ چپ: محور چهارباغ در دوران صفوی براساس توصیفات شاردن. مأخذ: رضاییان و کابلی، ۱۳۹۱.

تغییر هندسه راست گوشه باغ در برخورد با عوامل بیرونی سایت در چهارباغ اصفهان به دو روایت مشهود است.

بنابراین ایجاد این هندسه در مواردی که سایت و موقعیت باغ امکان ایجاد آن را نداده به تبعیت از بستر تغییر کرده و اصرار بر این هندسه تا جایی که امکان‌پذیر بوده، وجود داشته است. در دوره معاصر نیز احیای الگوی باغ ایرانی به مراتب ساده‌تر از الگوهای سنتی دیگر است؛ زیرا این الگو بنا بر اتفاقی خاص، هماهنگ با ساختار شطرنجی و سواره محور شهرهای مدرن معاصر است و به راحتی در بلوک‌های شهری قابل جای‌گذاری

همین دلایل است که اکثر باغ‌های ایرانی برای مقابله با عوامل محیطی دارای دیوارهای بلند شده‌اند و مقابله با عوامل انسانی بعضی از باغ‌ها را به قلعه‌هایی در مناطق مسطح تبدیل کرده است. از این رو هر زمان متغیرهای مخل امنیت کاهش یافته و یا امنیت سیاسی یا محیطی فراهم شده، از شدت این حریم‌ها کاسته شده است.

«امنیت سیاسی فراهم‌شده در دوران صفویان موجب شد باغ‌های تجیر به‌عنوان باغ‌هایی با دیوار مشبک ایجاد شود» (انصاری، ۱۳۷۸، ۱۸۷). اما شاهچراغی وجود امنیت را تنها شرط حذف حصار نمی‌داند. وی وجه عمومی شدن باغ‌ها در دوران صفویه را دلیل این شفافیت در جداره‌ها می‌داند: «مشبک‌ساختن دیوارهای باغ‌ها سبب می‌شد تا عابران داخل باغ را ببینند» (شاهچراغی، ۱۳۸۷). عامل امنیت به تنهایی نمی‌تواند دلیل وجود حصار را توضیح دهد چراکه باغ‌های شاهان در مناطق حفاظت‌شده، همچون عباس‌آباد نیز محصور بوده‌اند. حتی در باغ‌هایی با هدف استفاده عمومی در دوران صفوی مانند فرح‌آباد و هزار جریب شاهد وجود حصار و دیوار هستیم. از این جهت می‌توان هم موضوع تأمین امنیت و هم موضوع محرمیت در باغ ایرانی گاه با دیوارهای بلند و قلعه، گاه با چینه‌ای کوتاه و گاه با دیوارهای مشبک تأمین شده و روش‌های مورد استفاده بسته به اقلیم، میزان امنیت و زمان ساخت تغییر کرده است را دلیل وجودی آن دانست. با توجه به تغییر و تحولات حصار باغ می‌توان برای آن یک نقش حداقلی به‌عنوان حریم قائل شد. اما در دوره معاصر معنای ایجاد امنیت در یک فضای عمومی کاملاً متحول شده و عملاً شفافیت و عدم محصوریت در افزایش احساس امنیت نقش بازی می‌کنند. به همین دلیل شاید حصار باغ‌های ایرانی در دوران معاصر جایگاهی نداشته باشند و حتی مسئله‌ساز نیز باشند. اما ممکن است در برخی موارد از آن برای تعیین حدود

محصور بین دیوارهاست. این حصار به دلایل مختلفی احداث و همانند دیگر عناصر باغ در دوران‌های مختلف دچار تحول شده است. در منابع زیادی باغ ایرانی را به بهشت تشبیه کرده‌اند (تصویر ۷). در متون زرتشتی از بهشت به معنای فردوس یاد شده است که کلاوس هر دوگ «کلمه فردوس در زبان فارسی را به معنی باغ محصور می‌داند» (هر دوگ، ۱۳۷۶، ۴۹). گروهی دلیل وجود دیوار در پیرامون باغ را ناشی از اقلیم دانسته‌اند. «دیوار در باغ ایرانی بر مفهوم عمیقی دلالت دارد که عبارت است از انکشاف آب برای آفرینش جهانی انشایی در اقلیم گرم و خشک ایران» (مسعودی، ۱۳۸۲، ۳۰۳). بررسی نمونه‌های تاریخی، نظر فوق را با تردید مواجه می‌سازد. اکثر باغ‌ها صرف‌نظر از اقلیمی که در آن قرار گرفته‌اند، محصورند. باغ شاهزاده یا فین در میان کویر همان‌طور در حصار پیچیده شده‌اند که باغ صفی‌آباد در دل جنگل یا باغ جهان‌نما در مرکز شهر (تصویر ۸).

در جای دیگر حصار باغ را ناشی از دو عامل اعتقادی و کاربری دانسته‌اند. «این حدود، حصارهای بوده که نه تنها اخلاقاً دیگران را از ورود به آنها باز می‌داشتند که بنا به مورد از ارتباطات بصری و حتی شنیداری بین دو فضای مجاور جلوگیری می‌کردند» (نقی‌زاده، ۱۳۹۲، ۸). درونگرایی و محرمیت باغ‌های دوران اسلامی، تابعی از توصیفات قرآنی درباره بهشت بوده است. در سوره زمر، آیه ۷۳ با ذکر باغ‌های بهشتی به این نکته اشاره می‌شود که در هنگام ورود نیکوکاران، درهای بهشت گشوده می‌شود و نگهبانان به آنها می‌گویند: «سلام بر شما!... داخل بهشت شوید و جاودان بمانید» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۵۳، ۵۵۳). این امر اشاره دارد که باغ‌های بهشتی دارای درهای گوناگونی هستند که در باغسازی ایرانی، به صورت محصوریت کالبدی به نمایش در می‌آید. در باغ، دیوار و سردرهای ورودی در تأمین امنیت نقش اساسی داشته‌اند. به



تصویر ۸. دیوار مشبک اطراف باغ شازده ماهان. مأخذ: نورانی، ۱۳۸۷.

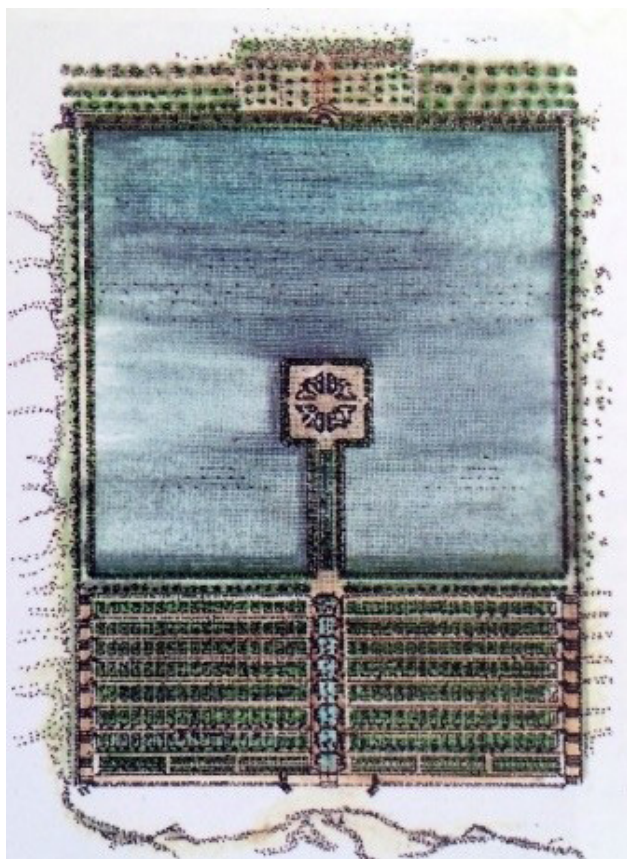


تصویر ۷. سر در باغ شازده ماهان. مأخذ: نورانی، ۱۳۸۷.

... به‌عنوان جلوه‌های پایداری به‌دلیل مصرف انرژی کمتر یا هزینه‌های نگهداری پایین، در قرن اخیر مورد تأکید بوده‌اند. با نگاهی به گذشته در باغ‌های ایرانی در می‌یابیم که استفاده از مواهب طبیعی برای ساماندهی فضای باغ متأثر از فراوانی و هزینه انجام کار بوده و بر همین اساس تنوع حضور یک عنصر مانند آب در باغ‌های ایرانی از حذف آن در باغ‌های خراسان در شرق ایران به استفاده از آن در مقیاس دریاچه در باغ ایل گلی در غرب ایران متفاوت است. به همین جهت استفاده بهینه از یک عنصر مدنظر بوده که با اصول پایداری نوین کاملاً انطباق دارد. به همین جهت مسائلی مانند عدم استفاده از آب یا گیاهان پوششی با راندمان آب مصرفی بالا، قرن‌ها پیش در باغ ایرانی حل شده و این باغ‌ها براساس اقلیم قرارگیری به‌صورت تقریباً پایدار طراحی شده‌اند و دوام بسیاری از گونه‌ها تاکنون نشان‌دهنده این موضوع است.

• سادگی و تنوع

سادگی در طراحی باغ‌های ایرانی بیشتر از معماری اسلامی این سرزمین قابل لمس است. خلق فضایی بی‌آلایش با ترکیب عناصری که در طبیعی‌ترین شکل خود استفاده شده‌اند، جای هیچ پیچیدگی و ابهامی را برای مخاطب باقی نمی‌گذارد (تصویر ۹). نقی‌زاده این سادگی را با مقایسه باغ ایرانی و دیگر گونه‌های



تصویر ۹. پلان باغ ایل گلی تبریز. مأخذ: خوانساری، یآوری و مقتدر، ۱۳۸۳.

بوستان یا هدایت کاربران به سمت ورودی‌های خاص استفاده نمود و در مورد شکل و شمایل آن نیز قطعاً می‌تواند تا حد یک نشیمنگاه سراسری با ارتفاع کم که با پیاده‌روی حاشیة بوستان نیز کار می‌کند، تقلیل پیدا کند.

• مردم‌واری و پرهیز از اسراف

تناسبات مبتنی بر مقیاس انسانی یک اصل در معماری ایران است. در باغ‌های ایرانی تناسبات به‌گونه‌ای است که هنگام نیاز به داشتن دید و منظر وسیع، کوشک بنا به‌صورت چند طبقه یا در محل مرتفع باغ ساخته‌شده تا در دید مطلوب خللی ایجاد نگردد و از طرفی برای تأمین نیاز به امنیت، حصار دور باغ با تناسبات انسانی تعبیه شده است. با توجه به استنباطی که از نوشته‌های استاد پیرنیا می‌شود، در منظر ایرانی نیز فضاها و کریدورهای بصری براساس تناسبات انسانی شکل گرفته‌اند (پیرنیا، ۱۳۷۳). در مقایسه این منظر با دیگر گونه‌های باغسازی در می‌یابیم که در باغ‌های ایرانی به‌دلیل حفظ تناسبات و مقیاس انسانی، ابعاد و فاصله‌ها به‌گونه‌ای است که انسان به راحتی می‌تواند در باغ گردش کرده و به درک مشخصی از فضا دست یابد. «در ارزش‌های دینی نیز همچون اجتناب از اسراف توجه ویژه‌ای به اندازه شده است. انسان نیز با رعایت تناسبات در ابعاد فضای ساخته‌شده به دست خود سعی دارد اندازه و توازن را در محیط حفظ نماید» (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۲، ۱۰).

در مورد پرهیز از اسراف فعالیت‌هایی مانند کشت گیاهان مثمر و بومی و همچنین استفاده معقول از آب براساس میزان وجود آن در منطقه قابل ذکر هستند. «سازندگان باغ ایرانی، از بیهودگی پرهیز کرده، از گل‌ها استفاده منطقی داشتند و هیچگاه بدون دلیل چیزی را نمی‌کاشتند» (Alexander Clouston, 2007, 121). به همین جهت باغ‌های ایرانی در نهایت پایداری طراحی شده‌اند و نگهداری آنها هزینه چندانی نداشته است. در نظام سلسله‌مراتبی شهرسازی با عنوانی مانند پارک‌ها در مقیاس شهری، منطقه‌ای و محله‌ای به وسعت و مقیاس پارک‌ها و همچنین نوع فعالیت‌های مندرج در آنها اشاره می‌شود؛ در حالی که در باغسازی سنتی ایران، در مقیاس‌ها و وسعت‌های مختلف از طریق هندسه و کربندی و تفکیک فضایی با استفاده از نظام سلسله‌مراتبی، همواره مقیاس در حد و اندازه درک انسانی و مردم‌واری باقی می‌ماند و خوانایی باغ با هر نوع مقیاسی خدشه‌دار نمی‌شود. به همین جهت چون استفاده‌کننده نهایی از بوستان‌های شهری در هر مقیاس، شهروندان هستند، می‌بایست نظام تفکیک سلسله‌مراتبی مدنظر قرار گیرد تا از مقیاس‌های وسیع غیرقابل درک در محیط شهری اجتناب شود. بدیهی است سایت‌های طبیعی با چشم‌اندازهای بکر منظور این مطلب نبوده و تنها به محیط‌های انسان‌ساخت وسیع اشاره دارد. مسائلی مانند توجه کمبود آب، استفاده از گیاهان سایه‌انداز و

مستقیم‌الخط و راست‌گوشه است اما در نظام ساختاری داخلی باغ هندسه‌ها متنوع بوده و بعضی دارای طرح چهارباغ، دو بخشی، کشیده و ... دارند. البته ساختار کلی نیز به فراخور بستر و برای هماهنگی با محیط اطراف تغییر داشته است. - در اغلب باغ‌ها محور در تعامل با گوشک به‌عنوان نظرگاه، دید وسیع و همه‌جانبه‌ای را به مخاطب ارائه می‌کند. اما وجود محورهای موازی محور اصلی یا محورهای فرعی متعدد عمود بر آن به‌عنوان کریدورهای عبوری یا تفرجی در نمونه‌های عمومی باغ مشهود است که خود نشان‌دهنده تبدیل محور به مسیر عبور در این گونه از باغ‌های تاریخی است.

- عمده باغ‌ها محصور بوده و این محصوریت تابع عواملی مانند اقلیم، امنیت و ... بوده و تحول زیادی به خود دیده و در بازه‌ای از زمان نقش آنها کم‌رنگ نیز شده است.

- میزان و حجم استفاده از آب جاری در باغ‌ها متناسب با اقلیم و میزان وجود آب دائمی در محل بوده است. شیوه نمایش آب نیز در اشکال متنوع در باغ‌ها براساس نوع زیبایی‌شناسی یا کارکرد منظرین آب دارای تنوع است.

- در اغلب نمونه‌ها کاشت درختان و گیاهان از نظم دقیقی تبعیت کرده و هندسه کربندی، استخوان‌بندی باغ را تعریف می‌کند.

- در همه باغ‌ها از مصالح بومی استفاده شده و سعی بر کمترین دخالت در بستر بوده است. عمده گیاهان این باغ‌ها جدای از نقش منظرین، مثمر نیز بوده‌اند.

- باغ‌ها به لحاظ وسعت دارای مقیاس‌های متفاوتی هستند. این مقیاس‌ها از باغ‌های حکومتی و خصوصی کوچک تا باغ‌های عمومی هزار جریبی متغیر است و براساس نوع کاربرد آن تغییرات زیادی به خود دیده است.

مجموع ویژگی‌ها و شاخصه‌های فوق در باغ ایرانی نشان می‌دهد که شاخص‌های کلی و البته سازماندهی داخلی آن در گذر زمان براساس مقتضیات مادی، کارکردی یا حتی معنایی از خود انعطاف نشان داده و تغییر یافته‌اند.

سابقه پیدایش بوستان‌های شهری

بر خلاف تصور غالب مبنی بر خصوصی‌بودن باغ‌های ایرانی تا اوایل دوره پهلوی و عدم استفاده اقشار مردم از این فضاها، اولین نمونه از فضای سبز عمومی در عصر صفویه بنیان گذاشته شد. «باغ‌های همچون هزار جریب، فضاها شهری همچون خیابان چهارباغ، تالارهای چهل ستون و هشت بهشت نمونه‌هایی از این فضاها بوده‌اند. براساس نوشته‌ها این باغ‌ها در برخی روزها بر روی مردم باز بوده است» (متدین، ۱۳۸۹، ۵۹). «واژه پارک، نخستین بار در عصر ناصرالدین‌شاه به دایره واژگان شهرنشینی ایران وارد شد. در این دوره فضاها نوینی در شهر پدید آمد که از همان زمان در مدارک، اسناد و نقشه‌ها

باغ در جهان توضیح می‌دهد. «برخلاف فرم‌های هندسی پیچیده و لایبرنتی باغ‌های مغرب زمین، در باغ‌های ایرانی شیوه کاشت سبب می‌شده تا باغ از نظر زیبایی و سادگی با طبیعت بکر تمایزات جدی نداشته باشد» (نقی‌زاده، ۱۳۹۲، ۷). «شاید باغ‌های ایرانی در ظاهر طراحی شبیه به هم باشند اما با کمی موشکافی در آنها، صورت‌های متنوع طراحی آنها آشکار می‌شود» (علائی، ۱۳۸۸، ۲۰). باغ‌های ایرانی به جهت سادگی قابلیت خوانایی بالایی دارند و در دوران‌های مختلف دارای تحولاتی نیز شده‌اند. اما این تحولات درک کلی این باغ‌ها را تحت تأثیر قرار نداده است. این تنوع در عین حفظ سادگی شاید دلیل ماندگاری آن تا عصر حاضر باشد. بسیاری این تحولات را لازم دانسته و بر به رسمیت‌شناختن این تحولات تأکید می‌ورزند. «مستندات متعدد نشان می‌دهند باغ ایرانی قرن‌ها خود را به اشکال مختلف باز تولید کرده‌اند» (براتی، ۱۳۹۰، ۱۲). «باغ ایرانی در طول عمر تجربی‌اش تمام ویژگی‌های یک پدیده را داراست: دگرگونی می‌پذیرد و بر محیط جامع انسانی اثرگذاری می‌کند» (فلامکی، ۱۳۸۹، ۶۶۲). موضوع سادگی در باغ ایرانی، به‌عنوان یکی از اصول طراحی معماری ایرانی، از جمله رازهای ماندگاری و خوانایی آن است. وجود خوانایی در یک فضای وسیع سبب افزایش حس امنیت و درک سریع مکان می‌شود. به همین جهت شاید جای سادگی باغ‌های ایرانی در طراحی فضاهای سبز شهری خالی باشد. زیرا عمدتاً رویکرد طراحی در این نوع از فضاها در دوره معاصر به سمت پیچیدگی و تنوع فرم‌ها و اشکال رفته که خود سبب ناخوانا شدن و به‌دنبال آن عدم رابطه دوسویه انسان مدرن و طبیعت شده است. به همین جهت سادگی و بی‌آلایشی در ارائه طبیعت در باغ ایرانی می‌تواند الگوی طراحی امروزی باشد تا از طریق آن پایداری فضای مصنوع بالاتر رفته و در عین حال ارتباط و خوانایی آن نیز حفظ شود. موضوع تنوع در شکل و هندسه، چینش عناصر، وسعت و مقیاس در باغ‌های ایرانی، نشان می‌دهد که ایجاد تنوع جدید برای رفع نیازهای مادی یا معنایی جدید، امری بدیهی و پذیرفته‌شده در الگوی باغ ایرانی است و ساختار به ظاهر قوام‌یافته و دارای چارچوب آن در گذر زمان تغییر و تحولات زیادی را به خود دیده و تنوع‌های گوناگونی را برجای گذاشته است. قطع سیر تاریخی استفاده از باغ ما را از تنوع‌های جدیدی که به‌واسطه تکنولوژی و نیازهای نوین می‌توانست شکل بگیرد، محروم ساخته و به نوعی این انقطاع تاریخی سبب ترس از ایجاد تنوع و تحول در این الگوی منعطف شده است.

جمع‌بندی معیارهای موجود در باغ‌های ایرانی در گذر زمان

- ساختار هندسی کلی الگوی باغ ایرانی در اغلب نمونه‌ها به‌دلیل قرارگیری در محیط بکر و عدم وجود عناصر تأثیرگذار،

آبنما امکان‌پذیر است. نبود مقصد و نظرگاه در بوستان‌ها بر سردرگمی مخاطب در درک آنها می‌افزاید. از بررسی اجمالی برخی از معیارهای طراحی در مورد بوستان‌های تهران موارد زیر استخراج می‌شود:

- برخی از بوستان‌ها از ساختار راست‌گوشه در کلیت خود برخوردار هستند که دلیل آن نظام بلوک‌بندی شطرنجی شهری نیز بوده است. البته این ساختار راست‌گوشه در جزئیات

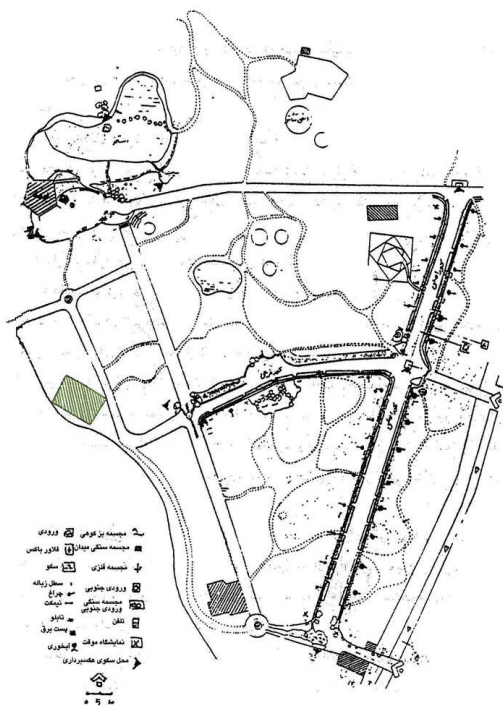


تصویر ۱۰. تهران ناصری. مأخذ: آرشیو شخصی مجتبی انصاری.

پارک نامیده شدند» (مجلسی کوپایی، انصاری، بمانیان و فخار تهرانی، ۱۳۹۲، ۳). «از طرح بوهلر برای گسترش تهران در دوران ناصری، نقشه نسبتاً کاملی توسط عبدالغفارخان نجم‌الملک ترسیم شد» (سعیدنیا، ۱۳۸۸، ۲۲۷)، (تصویر ۱۰). «در این نقشه، مشخصاً از سه فضا با عنوان پارک نام برده شده است: پارک ظل‌السلطان، پارک کنت دومونت فرث - نظم‌الملک - معروف به پارک ناصری و پارک امین‌الدوله» (منصوری، ۱۳۸۹، ۲۸). «با وجود اطلاق کلمه پارک به این باغ‌ها، به نظر نمی‌رسد این فضاها با توجه به مفهوم پارک، برای استفاده عموم بوده، بلکه ممکن است شیوه طراحی و عناصر به کاررفته در آنها و یا امکان دسترسی عموم در مواقع خاص با نظارت صاحب پارک دلیل این نامگذاری بوده باشد» (سلطانی، ۱۳۸۶، ۵۳). پیدایش بوستان‌های شهری به معنای امروزی به دوره پهلوی برمی‌گردد. با نگاهی گذرا به شیوه طراحی بوستان‌های شهری در تهران در می‌یابیم که در اغلب موارد طراحی بدون توجه به فرهنگ و رابطه ایرانیان با طبیعت؛ انجام شده‌اند و خود در دهه‌های بعد عامل به‌وجودآورنده بسیاری از آسیب‌های اجتماعی بوده‌اند.

عدم تداوم معیارها در بوستان‌های معاصر

بوستان‌ها در بسیاری از منابع نماینده فضای سبز شهری تهران معرفی شده‌اند و سابقه طراحی آنها نیز می‌تواند در تحلیل محتوا کمک نماید. اغلب بوستان‌های شهر تهران براساس نظام سرانهای و بر حسب شرایطی مانند وجود زمین وسیع جهت احداث مکان‌یابی شده‌اند. در اغلب موارد نیز هندسه شطرنجی و بلوکی شهر بر حدود آنها تأثیرگذار بوده است. بررسی پلان بوستان‌های شهر تهران نشان می‌دهد اغلب آنها دارای ساختار هندسی مشخصی نبوده و مسیرهای ارتباطی بین فضاها در آنها کاملاً سلیقه‌ای و به‌صورت نامنظم ایجاد شده است (تصاویر ۱۱ و ۱۲). این فضاهای بدون شکل و مسیرهای منشعب شده از آنها بر مبنای الگوی غربی پارکسازي انجام شده و خود عامل ناخوانایی بوستان است. در اغلب بوستان‌های شهر تهران نظم در کاشت گیاهان دیده نمی‌شود و بعضاً گیاهان به اشکال مختلف هرس می‌شوند که با معیار سادگی متناقض است. این بی‌نظمی در کاشت موجب عدم شکل‌گیری تصویر ذهنی از بوستان در ذهن ناظر می‌گردد. استفاده از آبنماهای وسیع در بوستان‌های شهر تهران بدون کارکرد زیبایی‌شناسانه ایرانی و تولید صدای ملایم در بستر کم باران آن مصداق کامل اسراف است. در عمده این بوستان‌ها همه مسیرها به فضای مرکزی آن که غالباً آبنما یا استخر است، ختم می‌شوند. البته همین مقصد هم در مسیرها قابل شناسایی نبوده و مخاطب درکی از انتهای مسیر ندارد. پس از رسیدن به مقصد، همانند باغ‌های ایرانی دید وسیع در اختیار ناظر قرار نگرفته و تنها مشاهده

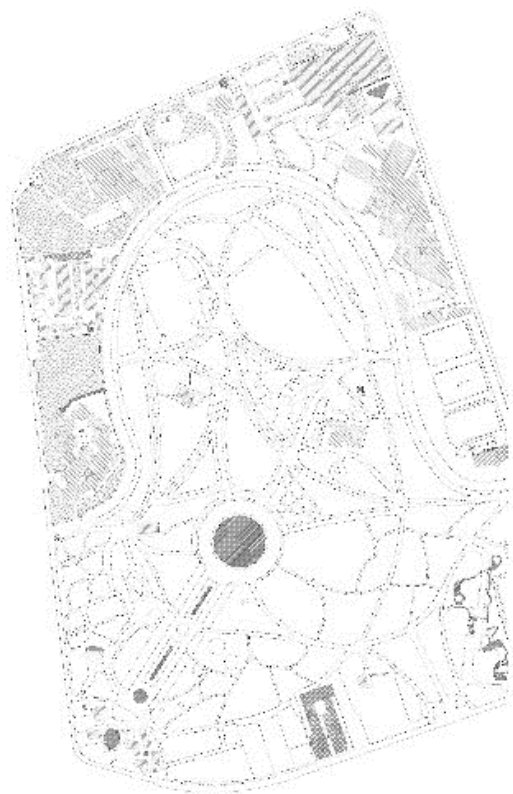


تصویر ۱۱. پارک جمشیدیه. مأخذ: سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران.

- مقیاس وسیع در کنار مسیرهای بدون هدف در برخی از بوستان‌ها عملاً درک کلیت آنها را ناممکن ساخته و مخاطب تنها از بخشی از آن استفاده کرده و آن را درک می‌کند.

نتیجه‌گیری

با مقایسه بین معیارهای موجود در باغ ایرانی و بوستان‌های شهری این نتیجه حاصل می‌شود که مفاهیم کلی و سازماندهی‌های متغییر در طول زمان باغ ایرانی با همان انعطاف تاریخی در ساخت فضاهای تفریحی در شهرهای معاصر امتداد نیافته‌اند و تنها جنبه زیست‌محیطی آنها در شهرها کاربرد یافته است. با بررسی سیر تاریخی تا اواخر دوره قاجاریه و حتی بعد از دوره ناصری این الگوها در ساخت باغ‌های خصوصی شاهزاده‌ها و درباریان امتداد یافته و به نوعی در نمونه‌های محدودی مانند امین‌الدوله و ... شاهد سازماندهی داخلی متأثر از غرب هستیم. تا قبل از این موارد در دوره قاجار عمده غرب‌گرایی در تزئینات گیاهان و یا شکل حوض‌ها تبلور یافته بودند که باز خود نوعی انعطاف باغ را نشان می‌دهد. اما بر خلاف تصور با شروع دوره پهلوی، برخلاف ادعاهای بازگشت به ارزش‌های دوره ایران باستان و با وجود رونق معماری پست‌مدرن ویژه در ایران که در آن اشاره به عناصر تاریخی با رویکرد یا کارکرد جدید اتفاق می‌افتد، در زمینه ایجاد فضاهای سبز شهری هیچ‌نگاهی به گذشته وجود ندارد و حتی برداشت صوری نیز از مصادیق گذشته وجود ندارد. شاید دلایل این بی‌اعتنایی را بتوان در به‌کارگیری طراحان معمار یا این تصور که الگوی شاهی باغ‌های تاریخی نمی‌تواند نیازهای انسان مدرن امروزی را در شهر تأمین کند، دانست. در صورتی که مصادیق استفاده از الگوی باغ ایرانی در شکل‌دهی به نظام یک شهر در دوره صفویه در عصر حاضر موجود است، نمی‌توان نبود آگاهی یا عدم شناخت ظرفیت‌های باغ ایرانی را ملاکی بر عدم تداوم دانست. اما به هر روی خلاء موجود در دوره پهلوی سرآغاز بی‌هویتی بوستان‌های شهری شده است. چنانچه براساس توضیحات ارائه‌شده باغ‌های ایرانی را به‌عنوان یک پدیده متغیر، دارای انعطاف و تنوع بدانیم، می‌توانیم خاصیت مدرن بودن به معنای تغییر در جهت پایداری و بهبود عملکرد یا به‌روزشدن را در آنها مشاهده کنیم. به نظر می‌رسد راه‌حل برون‌رفت از بی‌هویتی شکل‌گرفته از اوایل دوره پهلوی تاکنون، رجوع به معیارهای موجود در منظر گذشته کشور است که به راحتی براساس ویژگی انعطاف‌پذیری قابل تعمیم به عصر حاضر خواهند بود. مواردی حداقلی به‌عنوان مثال برای چگونگی بهره‌مندی از مفاهیم، فرم و عناصر کهن‌الگوی باغ ایرانی در فضاهای سبز شهری ذیل هر کدام از شاخص‌ها در متن بیان شد. هر چند استفاده از این کهن‌الگو براساس



تصویر ۱۲. پارک لاله، عدم وجود هندسه مشخص و مسیرهای منحنی. مأخذ: آرشیو منطقه ۶ شهرداری تهران.

و سازماندهی داخلی تعمیم نیافته که به بررسی دقیق‌تر برای مطلوبیت یا عدم مطلوبیت نیاز دارد.

- در بوستان‌ها تعامل ویژه بین محور اصلی و گوشک، ساختمان و یا نظرگاه جهت ایجاد دید وسیع اتفاق نیفتاده و در اغلب اوقات به‌دلیل عدم وجود محور یا نظرگاه دید منظرین در بوستان‌ها درک نمی‌شود.

- مکان‌یابی این بوستان‌ها نیز سنخیتی با وجود آب در محل احداث ندارد و اغلب آنها توسط حفر چاه تغذیه می‌شوند. این امر با توجه به اصول توسعه پایدار و مفهوم پرهیز از اسراف امری منطقی به نظر نمی‌رسد.

- حضور آب در بوستان‌ها معطوف به استخرها و آبنماهای وسیع شده است و آب در سطح جاری نمی‌شود. این نحوه حضور آب و البته صدای ناشی از فواره‌های عظیم، تصویر ذهنی غالب ایرانیان در مواجهه با طبیعت را مخدوش کرده است.

- حصار بوستان‌ها تا دهه‌های پیش وجود داشته و در حال حاضر به‌دلیل تغییر مفهوم امنیت در فضاهای جمعی و استفاده از نظارت اجتماعی حذف شده‌اند که اقدامی صحیح به شمار می‌رود.

- استفاده از گیاهان غیربومی، غیرمثمر و بعضاً در تضاد با اقلیم تهران سبب اسراف و تحمیل هزینه‌های زیادی شده است.

همیشه نابود خواهد کرد. مواردی مانند الگوی معماری مساجد به‌عنوان الگوی معماری اسلامی به جهت تقدس‌گرایی عناصر و یا الگوی باغ ایرانی به جهت معناگرایی و عدم تطابق با نیازهای امروزی از جمله این موارد هستند. نگاه کل‌نگر به سیر تاریخی نشان می‌دهد که اگر پیشینیان ما این رویکرد محافظه‌گرایانه را در پیش می‌گرفتند، چه بسا اصلاً میراثی با نام معماری اسلامی یا باغ ایرانی در عصر حاضر برای ملت ما وجود نداشت. راز ماندگاری این کهن‌الگوها در پوست‌اندازی، به‌روزشدن و نوآوری و خلاقیت در سازگاری با اجتماع و زمان جدید است که باید در عصر حاضر نیز تداوم یابد. طراحی برخی از بوستان‌های شهری با مقیاس‌های مختلف با الگوهای متنوع باغ ایرانی در چند سال اخیر می‌تواند سرآغاز خوبی برای محک این الگوی منعطف برای استفاده در عصر حاضر باشد و شاید کلیشه‌های استفاده‌شده صوری یا عینی برخی عناصر سنتی را نیز بشکند.

اندیشه، اقلیم و خلاقیت طراح می‌تواند دارای تنوع و نمودهای بسیار زیاد دیگری نیز باشد. این نکته نیز قابل ذکر است که استفاده از تمامی مفاهیم یا عناصر و کارکردهای باغ ایرانی برای استفاده در بوستان‌های شهری معاصر ضروری نیست و باید این تصور که استفاده از الگوی باغ ایرانی لاجرم طراح را مجبور به وام‌گیری از هندسه، کوشک، نظام آب و کاشت و ... در طرح معاصر می‌کند، اصلاح شود و همان‌طور که باغ‌های ایرانی در طول تاریخ براساس مقتضیات خود برخی از عناصر را تقلیل داده یا حتی حذف کرده‌اند، در عصر حاضر نیز می‌توان از یک عنصر یا کارکرد خاص به تنهایی بهره برد و آن را به‌روزآوری یک کهن‌الگو تلقی کرد. ترس از عدم مداخله در یک سبک یا الگوی تاریخی به جهت تقدس‌گرایی و ساخت کلیشه‌های معنایی صرف از عناصر تاریخی، در عین حفاظت از یک میراث معنوی می‌تواند به رکود و انجماد آن در زمان بی‌انجامد که در گذر تاریخ آن میراث را از خاطره ذهنی ملل خواهد زدود و برای

فهرست منابع

- اردلان، نادر و بختیار، لاله. (۱۳۸۰). حس وحدت؛ سنتی عرفانی در معماری ایرانی (ترجمه حمید شاهرخ). اصفهان: نشر خاک.
- استروناخ، دیوید. (۱۳۷۹). پاسارگاد (ترجمه حمید خطیب شهیدی). تهران: سازمان میراث فرهنگی.
- انصاری، مجتبی. (۱۳۷۸). ارزش‌های باغ ایرانی (صفوی-اصفهان) (رساله دکتری منتشرنشده معماری). دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- براتی، ناصر. (۱۳۹۰). باغ یا پارک؟ تقابل مفاهیم در دو زبان مختلف. منظر، ۱۶(۱)، ۱۲-۱۵.
- پورجعفر، محمدرضا؛ رستمی، ثریا؛ پورجعفر، علی و رستمی، محسن. (۱۳۹۲). تجلی مفاهیم قرآنی در باغ ایرانی با تأکید بر سوره انسان (نمونه موردی باغ دولت آباد یزد). پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، ۱(۴)، ۷-۲۲.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۷۳). باغ‌های ایرانی. آبادی، (۱۵).
- تریوه، سارا. (۱۳۸۹). بررسی تاریخی و کالبدی باغ فین. نشریه اینترنتی معماری منظر، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۰/۰۸/۲۰، قابل دسترس در: <https://www.manzaronline.com/page/14?optio>
- جواهریان، فریاز. (۱۳۸۳). باغ‌های ایرانی؛ حکمت کهن منظر جدید. تهران: انتشارات موزه هنرهای معاصر تهران و مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی.
- حمزه‌نژاد، مهدی؛ سعادت‌جو، پریا و انصاری، مجتبی. (۱۳۹۳). بررسی تطبیقی باغسازی ایران در دوران ساسانی و اسلامی. معماری ایرانی، ۳(۵)، ۵۷-۷۹.
- حیدرنتاج، وحید و منصور، سیدامیر. (۱۳۸۸). نقدی بر فرضیه الگوی چهارباغ در شکل‌گیری باغ ایرانی. باغ نظر، ۶(۱۲)، ۱۷-۳۰.
- حیدرنتاج، وحید. (۱۳۸۹). باغ ایرانی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- حیدرنتاج، وحید. (۱۳۹۲). طراحی باغ مستوفی به سبک ایرانی؛ باغ نو. منظر، ۱۰(۲۲)، ۱۰-۱۳.
- خوانساری، مهدی؛ یآوری، مینوش و مقتدر، محمدرضا. (۱۳۸۳). باغ ایرانی بازتابی از بهشت. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- رضاییان، فرزین و کابلی، یادالله. (۱۳۹۱). هفت رخ فرخ ایران. تهران: طلوع اطلاعات تصویری.
- زمانی، احسان و لیلیان، محمدرضا. (۱۳۸۸). بازنمایی و تحلیل جایگاه عناصر
- موجود در باغ ایرانی با تأکید بر اصول دینی-آیینی. باغ نظر، ۶(۱)، ۲۵-۳۸.
- سعیدنیا، احمد. (۱۳۸۸). تهران پایتخت، طهران قدیم. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- سلطانی، مهرداد. (۱۳۸۶). شکل‌گیری بوستان‌های شهری در دوره معاصر؛ گذر از مفهوم باغ به پارک (با محوریت تجارب تهران). باغ نظر، ۴(۸)، ۴۸-۵۸.
- شاهچراغی، آزاده. (۱۳۸۷). پارادایم‌های پردیس؛ درآمدی بر بازنمایی و بازآفرینی باغ ایرانی. تهران: جهاد دانشگاهی واحد تهران.
- شاهچراغی، آزاده. (۱۳۸۸). تحلیل فرآیند ادارک محیط باغ ایرانی براساس نظریه روانشناسی بوم شناختی. هویت شهر، ۳(۵)، ۷۱-۸۴.
- عالمی، مهوش. (۱۳۸۵). باغ‌های دوره صفویه؛ گونه‌ها و الگوها. گلستان هنر، ۵(۲)، ۷۲-۹۱.
- عالمی، مهوش و یزدی، میثم. (۱۳۸۷). باغ‌ها و حیاط‌های ایرانی؛ رویکردی به طراحی معماری معاصر. گلستان هنر، ۱(۴)، ۱۰۶-۱۱۲.
- علانی، علی. (۱۳۸۸). تنوع در طرح معماری باغ‌های تاریخی شیراز-باغ ارم و باغ تخت و باغ جهان‌نما و باغ دلگشا. صفا، ۱۹(۱-۲)، ۵-۲۰.
- فقیه، نسرين. (۱۳۸۳). چهارباغ؛ مثال ازلی باغ‌های تمدن اسلامی. در باغ ایرانی؛ حکمت کهن، منظر جدید. تهران: انتشارات موزه هنرهای معاصر تهران و مؤسسه توسعه هنرهای تجسمی.
- فلامکی، محمد منصور. (۱۳۸۹). باغ ایرانی (عکس رخ باغ) در گستره‌های معماری. تهران: نشر فضا.
- لیبب‌زاده، راضی؛ حمزه‌نژاد، مهدی و خان محمدی، محمدعلی. (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی تأثیر ایده‌های معنوی در شکل باغ؛ مطالعه موردی باغ پاسارگاد از دوره هخامنشی و باغ فین از دوره اسلامی. باغ نظر، ۸(۱۹)، ۳-۱۶.
- متدین، حشمت‌الله. (۱۳۸۹). علل پیدایش باغ‌های تاریخی ایران. باغ نظر، ۱۵(۱)، ۵۱-۶۲.
- متدین، حشمت‌الله. (۱۳۹۶). تاریخ باغسازی جهان. تهران: انتشارات پژوهشکده نظر.
- مجلسی کوپایی، ابودر؛ انصاری، مجتبی؛ بمانیان، محمدرضا و فخار تهرانی، فرهاد. (۱۳۹۲). ویژگی‌های نخستین «پارک» تهران: پارک امین‌الدوله. باغ نظر، ۱۰(۲۵)، ۳-۱۶.

- ۲(۳۷). قابل دسترس در: <https://www.manzaronline.com>
- ویلبر، دونالد. (۱۳۴۸). *باغ‌های ایران و کوشک‌های آن (ترجمه مهین دخت صبا)*. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
 - هردوگ، کلاوس. (۱۳۷۶). *ساختار شکل در معماری اسلامی ایران و ترکستان* (ترجمه محمد تقی‌زاده مطلق). تهران: انتشارات بوم.
 - همایونی، رویا و ولی بیگ، نیما. (۱۴۰۰). بازخوانی کالبد باغ هزارگریب بر پایه مطالعات مقایسه‌ای اسناد توصیفی - تصویری و میدانی. *منظر*، ۱۳(۵۷)، ۶-۲۱.
 - Alexander Clouston, W. (2007). *Flowers from a Persian Garden and Other Papers, BiblioBazaar*. Charleston: LLC.
 - Pechere, R. (1982). *Etude de jardins historiques en iran*. Paris: Unesco.
 - Pope, A.U. (1997). *A survey of Persian Art, from Prehistor Times to Present*. Tehran: Sireush Press.
 - مدقالچی، لیلا؛ انصاری، مجتبی و بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۳). روح مکان در باغ ایرانی. *باغ نظر*، ۱۱(۲۸)، ۲۵-۳۸.
 - مسعودی، عباس. (۱۳۸۲). بررسی دیوار به‌عنوان یکی از اجزاء تشکیل دهنده باغ ایرانی. *معماری و فرهنگ*، ۵(۱۴).
 - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۵۳). تفسیر نمونه. (ج. ۱۵). قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
 - منصوری، سیدامیر. (۱۳۸۴). درآمدی بر زیباشناسی باغ ایرانی. *باغ نظر*، ۲(۳)، ۵۸-۶۳.
 - میرسلیم، مصطفی. (۱۳۷۵). *دانشنامه جهان اسلام*. تهران: بنیاد دائرة المعارف اسلامی.
 - نعیم، علیرضا. (۱۳۸۵). *باغ‌های ایران*. تهران: نشر پیام.
 - نقی‌زاده، محمد. (۱۳۹۲). جلوه‌های زیبایی در باغ ایرانی. *منظر*، ۵(۲۲)، ۶-۹.
 - نورانی، مرضیه. (۱۳۸۷). *محرمت در باغ ایرانی*. نشریه اینترنتی معماری‌منظر،

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

فاطمی، مهدی. (۱۴۰۱). انعطاف‌پذیری، ویژگی بارز باغ ایرانی برای بهره‌گیری از آن در دوره معاصر. *منظر*، ۱۴(۵۸)، ۶-۱۹.



DOI: 10.22034/MANZAR.2022.318846.2170

URL : http://www.manzar-sj.com/article_146979.html